گفت‌وگو با زندانی محکوم به مرگ و دارنده رتبه ۴۲۲ کنکور ارشد

رضایت اولیای دم و قبولی در دانشگاه معجزه خداوند بود



گروه حوادث- مرجان همایونی/ مهندس عمران که در کنکور ارشد امسال شرکت کرده و با رتبه‌ای خوب در دانشگاه خواجه نصیر تهران پذیرفته شده را شاید بتوان متفاوت‌ترین داوطلب کنکور امسال دانست، مرد جوانی که ۲۴ ساعت پس از برگزاری کنکور نامش برای اجرای حکم قصاص خوانده شد و در زندان رجایی شهر به سوئیت رفت.

وقتی گوشی تلفن همراهم را برداشتم صدایی از آن سوی خط گفت: «این تماس از زندان رجایی شهر گرفته شده است.» لحظه‌ای بعد صدای مرد جوانی را شنیدم که خودش را معرفی کرد و گفت: من مهرداد... هستم همان زندانی محکوم به مرگ که در دانشگاه قبول شده است.

بلافاصله او را شناختم می‌دانستم چرا در زندان است حدود دو سال قبل به اتهام قتل همکار همسرش دستگیر شد و به زندان افتاد و خیلی زود حکم قصاصش به درخواست اولیای دم صادر شد. اما انگار خدا با او بود چرا که معجزه‌ای رخ داد و خانواده مقتول به دلشان افتاد تا او را به خاطر رضای خدا و آرامش روح پسرشان ببخشند. انگار همه چیز دست به دست هم داده بود تا این پسر شهرستانی روی خوش زندگی را ببیند چرا که چند روز بعد از این رضایت زندگی بخش خبر نتایج کنکور هم اعلام شد و او نام خودش را در فهرست پذیرفته شدگان یکی از دانشگاه‌های مطرح کشور دید. حالا دیگر از روزهای سیاه ناامیدی و انتظار برای مرگ خبری نیست و مرد جوان به امید آینده‌ای روشن به زندگی فکر می‌کند. «وقتی حکم قصاصم صادر شد با خودم گفتم یا باید روزهایم را به بطالت با خوردن قرص و خوابیدن بگذرانم تا روز اجرای حکم برسد یا به خدا توکل کنم و امیدم را از دست ندهم. گفتم اگر قرار باشد قصاص شوم بهتر است در این فرصت زندگی کنم. البته همسرم هم مشوق خوبی بود و مدام با من تماس می‌گرفت و مرا تشویق می‌کرد و به من امید می‌داد. هدفم این بود که تلاش کرده باشم و به نتیجه‌اش فکر نمی‌کردم، به مرگ فکر نمی‌کردم. در زندان دور تختم پرده کشیده بودم و تا ساعت ۳ صبح درس می‌خواندم. روز جمعه‌ای که کنکور ارشد را دادم فردا صبحش به قرنطینه رفتم تا برای اجرای حکم قصاص آماده شوم. به من می‌گفتند تو فردا می‌خواهی بروی قرنطینه برای اجرا، آن وقت کنکور ارشد می‌دهی، اما من گوش نمی‌کردم و تلاشم برایم مهم‌تر از سرنوشت بود.»

■ روزهای قرنطینه را چطور گذراندید؟

سخت بود، اینکه بدانی قرار است حکمت اجرا شود قابل توصیف نیست. اما من قرآن و نماز می‌خواندم و همین مسأله سختی آن لحظات را برایم کم کرده بود.

■ چه شد که تصمیم گرفتی در آن شرایط درس بخوانی؟

من عاشق درس بودم. در دوران نوجوانی سر زمین کشاورزی کار می‌کردم و درس می‌خواندم. در جوانی و حتی زمانی که سرباز بودم به خاطر اینکه اوضاع مالی خانواده‌ام خوب نبود در کنار درس خواندن سر کار هم می‌رفتم و کمک خرج خانواده‌ام بودم. من در خانواده‌ای بزرگ شدم که ۶ فرزند دارند و اوضاعی مالی شان اصلاً خوب نبود. من برای قبولی در کنکور لیسانس فقط ۴۰ روز درس خواندم و در رشته عمران قبول شدم، اما همیشه دلم می خواست ادامه تحصیل بدهم و زمانی که به زندان افتادم و با آن وضعیت مواجه شدم تصمیم گرفتم که باز هم درس بخوانم.

■ چطور از شما امتحان گرفتند؟

مسئول امور فرهنگی زندان به سازمان سنجش اطلاع داد که داوطلبانی برای کنکور دارند. روز کنکور یک نماینده از سازمان سنجش به زندان آمد و همزمان با داوطلبان دیگر کنکور دادیم. در آن روز من بودم که رشته عمران سازه را می‌خواستم و دو نفر دیگر که دانشگاه پیام نور شرکت کردند.

■ در این سال‌ها فکر می‌کردی خانواده مقتول رضایت بدهند؟

به خانواده اولیای دم حق می‌دادم که بخواهند مرا قصاص کنند. من همکار همسرم را به خاطر سوءتفاهم و ناخواسته به قتل رسانده بودم. اوایل ناامیدی بر من غلبه کرده بود تا اینکه خوابی دیدم. من به خاطر اتفاقاتی که افتاده بود دیگر نماز نمی‌خواندم و بعد از دیدن خواب دوباره نماز خواندم، این‌بار حتی روزه‌های ۵ ماهه و ۳ ماهه نیز گرفتم. خواب دیدم در دادگاه هستم و همه از من سؤال می‌پرسند. گیج بودم و نمی‌دانستم چکار کنم که شروع به خواندن آیت الکرسی کردم. از خواب که بیدار شدم در حال خواندن مابقی آیت الکرسی بودم. همان موقع قرآن را باز کردم و سوره‌ای آمد که مفهومش این بود که وقتی خدا پشتیبان باشد به تو آسیب نمی‌رسد. بعد از آن حالم خوب شد و به زندگی برگشتم. البته خانواده‌ام بخصوص همسرم خیلی برای گرفتن رضایت تلاش کردند.

■ واکنش اولیای دم در رابطه با قبولی شما آن هم با رتبه ۴۲۲ در کنکور چه بود؟

فکر نمی‌کنم آنها چیزی از قبولی من بدانند. البته آنها برای قصاص آمده بودند ولی در میانه راه طبق گفته پدر مقتول، انگار حسی به دلش الهام می‌شود و وسط راه برمی‌گردد و می‌گوید می‌خواهم مهلت دهم. ۳ ماه مهلت داده و تنها شرطشان پرداخت دیه بود که آن هم برای خودشان نمی‌خواهند و می‌خواهند صرف امور خیریه کنند. هنوز مهلت سه ماهه اولیای دم تمام نشده بود که دیه فراهم شد و هفته گذشته اولیای دم برگه رضایت خود را امضا کردند.

■ شما تقریباً همزمان دو خبر خوب شنیدید نجات از کابوس مرگ و قبولی در دانشگاه. چه حسی داشتید؟

صدای خنده مهرداد در گوشی تلفن می‌پیچد و می‌گوید معجزه بود. معجزه. به خاطر مادر و پدرم که این همه زجر کشیدند، به خاطر همسرم و به خاطر اینکه آنها آرام گرفتند خیلی خوشحال شدم. نمی‌دانم من اسمش را می‌گذارم خوشحالی، شاید اسم دیگری داشته باشد. بعد هم خبر دوم دانشگاه که واقعاً حالم را خوب کرد.

■ کسی که سابقه کیفری دارد می‌تواند دانشگاه برود؟

زمانی که برای دانشگاه ثبت‌نام می‌کنیم هیچ مدرکی در رابطه با سوء پیشینه گرفته نمی‌شود. از سویی این امکان را فراهم کردند تا با درس خواندن شرایط فکری و روحی زندانیان تغییر کند پس مانعی نباید وجود داشته باشد. قرار است بزودی از جنبه عمومی جرم محاکمه شوم. منتظر حکمی هستم که قضات برایم صادر می‌کنند، امیدوارم خدا اینجا هم به کمکم بیاید، من سعی کردم در مدت حبس توبه کنم، امیدوارم شرایط مجازاتم به گونه‌ای باشد که بتوانم به دانشگاه بروم. زمانی که به خاطر قتل به زندان رفتم فکر کردم آخر خطم اما با معجزاتی که در زندگی‌ام رخ داد متوجه شدم که خداوند همیشه هست و کمکم می‌کند.

■ و حرف آخر؟

انسان باید در هر لحظه‌ای امید داشته باشد و تلاش کند حتی اگر در یک قدمی مرگ باشد. در زندان که بودم با خودم نذر کردم که بعد از آزادی با همسرم مستقیم به پابوس امام رضا(ع) بروم.

■ گفت‌وگو با همسر مرد زندانی

همسر مهرداد، در تمام این روزهای سخت همراه او بوده و او را تشویق کرده تا دست به کاری بزند که انگشت‌شمار است، زن جوان در این باره می‌گوید: وقتی این حادثه رخ داد و شوهرم به زندان افتاد شرایط خیلی بدی داشت اما در نهایت موفق شد به بخش فرهنگیان برود. وقتی از ماجرای ادامه تحصیلش گفت خیلی خوشحالم شدم و هر بار که به دیدنش می‌رفتم لیستی از کتاب‌هایی را که سفارش داده بود برایش می‌بردم. ۷۰ کتاب برای او بردم تا اینکه به خواسته‌اش رسید.

او ادامه می‌دهد: جمعه کنکور داد و شنبه با من تماس گرفت و گفت می‌خواهد برود برای معرق کاری اما چند ساعت بعد دوست مهرداد زنگ زد و گفت او را به قرنطینه برده‌اند. دنیا روی سرم خراب شد، از همان لحظه تلاش را برای گرفتن رضایت شروع کردیم اما هر جا می‌رفتیم می‌گفتند اولیای دم باید رضایت دهند از دست ما کاری برنمی آید. به سراغ خانواده مقتول رفتیم اما آنها قصاص می‌خواستند تا اینکه نمی‌دانم چه شد که تصمیم پدر و مادر مقتول عوض شد و ما را شرمنده کردند. البته یکی از اقوامشان هم ظاهراً خواب مقتول را دیده بود که به آنها گفته بود به پدر و مادرم بگویید مهرداد را ببخشند.

شرط اولیای دم دیه بود اما ما توانایی پرداخت را نداشتیم. تمام این پول را خیرین کمک کردند و حتی کسبه و اهالی محل زندگی پدر مهرداد هر کدام مبلغی را پرداخت کرده بودند تا بالاخره دیه درخواستی اولیای دم جور شد و آنها رضایت دادند. الان خیلی خوشحالم چون هم خبر رضایت خانواده مقتول را من به مهرداد دادم، هم خبر قبولی دانشگاهش را و به همه مردم می‌گویم که از لطف خداوند ناامید نشوند چرا که همان طور که در زندگی ما معجزه‌اش را نشان داد در زندگی همه مردم این اتفاق می‌تواند رخ دهد.

قتل مرموز استاد دانشگاه

گروه حوادث/ جسد استاد ادبیات یکی از دانشگاه‌های آزاد تهران در حالی پیدا شد که مدارک و شواهد حکایت از ارتکاب جنایت به دست قاتلی آشنا دارد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت یک بامداد پنجشنبه ۱۰ شهریور مأموران کلانتری ۱۱۱ هفت چنار در تماس با بازپرس محمد جواد شفیعی از قتل مردی در خانه‌اش خبر دادند.

با اعلام این خبر تیم جنایی راهی محل شده و با جسد مردی ۴۵ ساله در آپارتمان طبقه اول ساختمان در حالی مواجه شدند که با ضربه چاقو در اتاق نشیمن به قتل رسیده بود. متخصصان پزشکی قانونی زمان مرگ را حدود دو ساعت قبل اعلام کردند. خانه بهم ریختگی داشت اما خانواده مقتول مدعی بودند که سرقتی رخ نداده است. از سویی در ورودی سالم بود و این احتمال مطرح شد که جنایت از سوی فردی آشنا رخ داده است.

همسر مقتول که جسد را دیده و موضوع را به پلیس خبرداده بود گفت: محمدرضا، استاد دانشگاه است و ادبیات تدریس می‌کند. حدود ساعت ۱۱ شب برای انجام کاری به همراه فرزندم از خانه خارج شدیم و دیر وقت به خانه برگشتیم. هر چه زنگ زدم همسرم در را باز نکرد و درنهایت با کلید وارد شدیم و به محض ورود با جسد محمدرضا مواجه شدیم. اما نمی‌دانم چه کسی این جنایت را مرتکب شده است.

در ادامه تحقیقات بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران دستور بازبینی دوربین‌های مداربسته اطراف محل جنایت و تحقیق از بستگان و دوستان مقتول را صادر کردند. در ادامه تحقیقات نیز یکی از بستگان استاد دانشگاه به عنوان مظنون بازداشت شد و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

خدمتکارخانه سارق انگشتر برلیان

گروه حوادث/ پلیس در تعقیب زن خدمتکاری است که انگشتر برلیان و ساعت گرانقیمت زن ثروتمندی را به سرقت برده است.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، چند روز قبل زن میانسالی به پلیس رفت و از خدمتکار خانه‌اش به اتهام سرقت شکایت کرد. مدتی بود که بیمار شده بودم و نمی‌توانستم بخوبی کارهای خانه را انجام دهم. به همین دلیل از طریق یک سایت ارائه خدمات با زن جوانی آشنا شدم. او خدمتکار منزل بود و دو بار در هفته به خانه‌ام می‌آمد. اما حدود دو هفته قبل ساعت مچی ۳۴ میلیون تومانی‌ام ناپدید شد. ابتدا فکر کردم که ساعت را گم کرده یا فراموش کرده‌ام که کجا گذاشته‌ام.

اما هر چه فکر کردم به خاطر آوردم که آخرین بار ساعت را در خانه گذاشته‌ام و به همین دلیل به خدمتکارم مشکوک شدم. همین شک باعث شد که در خانه دوربین کار بگذارم. چند روز قبل دوباره فتانه به خانه‌ام آمد و من هم برای انجام کاری مجبور به ترک خانه شدم. دو ساعت بعد هم فتانه تماس گرفت و مدعی شد کارش تمام شده و از من خواست تا حقوقش را واریز کنم. من هم پول را پرداخت کردم و زمانی که به خانه آمدم متوجه شدم انگشتر برلیان ۵۰۰ میلیون تومانی‌ام به سرقت رفته است. وقتی دوربین‌ها را بازبینی کردم دیدم زن خدمتکار انگشترم را سرقت کرده است. بعد از آن هر چه با تلفن همراهش تماس گرفتم خاموش بود.

با شکایت زن میانسال پرونده‌ای در دادسرای ویژه سرقت تشکیل شد و تحقیقات برای رازگشایی از این سرقت ادامه دارد.

احیای «مسیر سوم» برای اصلاح سارقان

یادداشت

کامران علمدهی - نگاهی اجمالی به سوابق متهمان جوانی که در طرح‌های مختلف پلیس به اتهام سرقت‌های خشن دستگیر می‌شوند نشان می‌دهد که اغلب آنها سابقه‌دار بوده و به طور میانگین بین ۱۰ تا ۲۰ سابقه کیفری در پرونده خود دارند.

وقتی پای صحبت‌های این افراد می‌نشینی اغلب آنها دلیل ارتکاب سرقت‌های‌شان را وضعیت مالی بد، بیکاری، اعتیاد، همنشینی با دوستان ناباب و برخی نیز عادت به سرقت را از دلایل ارتکاب این جرم بیان می‌کنند که بی‌تردید اگر راهکار مناسبی برای برون‌رفت از چنین وضعیتی و اصلاح ریشه‌ای شرایط وقوع جرم اندیشیده نشود نباید انتظار داشته باشیم که با کاهش آمار سرقت‌های خشن و متهمان روبه‌رو شویم. با بررسی دلایل ارتکاب سرقت‌ها می‌توان سارقان را به سه دسته تقسیم کرد. گروه نخست سارقانی هستند که به لحاظ فشار اقتصادی و مشکلات ناشی از آن تنها راه نجات خود و خانواده‌شان را در سرقت می‌دانند و وقتی طعم شیرین پول زیاد و بدون زحمت را چشیدند دیگر اصلاح‌شان سخت خواهد بود.

گروه دوم افرادی هستند که به خاطر تأمین مواد مخدر مورد نیازشان دست به سرقت می‌زنند. گروه سومی هم هستند که به دنبال هیجان ناشی از سرقت دست به این جرایم می‌زنند و معمولاً نیاز مالی ندارند، حتی برخی از آنها کار ثابتی هم دارند و فقط به خاطر به اصطلاح مرام و معرفت یا تعارف با دوستان و هم‌محلی‌های‌شان درگیر پرونده‌های سرقت می‌شوند.

در این میان مهم‌ترین موضوع مجرمانی هستند که پیشگیری و مقابله با آنها نیازمند اقدامات و برنامه‌ریزی‌های حساب شده سازمان‌ها و نهادها است و پلیس و دستگاه قضایی به‌تنهایی توان مقابله و اصلاح آنها را ندارد. چرا که در صورت دستگیری و حبس بازهم وارد چرخه‌ای می‌شوند که در نهایت یا به حبس‌های طویل‌المدت ختم می‌شود یا مرگ و مسیر سومی برای آن ترسیم و تبیین نشده است.

وقتی سارقی در ذهنیت و فضای روانی خاص خود، به نقطه‌ای می‌رسد که سرقت را تنها راه امرار معاش خود و خانواده‌اش می‌بیند دیگر خارج کردن ذهن و روح او از این افکار ساده نیست. به طور قطع اگر صد بار هم دستگیر و محکوم و مجازات شود چون به لحاظ روانی درمان نشده و مجازات متناسبی برای او در نظر گرفته نشده بیمار باقی می‌ماند. بی تردید مسئولان مرتبط با امر فرهنگ‌سازی باید با برنامه‌ریزی جامع و متقن، فضایی را فراهم کنند که سارق بداند رسیدن به خواسته‌هایش فقط در گرو رعایت حقوق سایر افراد جامعه امکان‌پذیر است.

البته بحث متناسب نبودن مجازات‌ها هم در این میان بی‌تأثیر نیست. وقتی سارقی دستگیر می‌شود می‌داند که با رد مال و جلب رضایت شاکی مجازاتش سبک‌تر می‌شود و پس از چند ماه و یا چند سال حبس آزاد می‌شود. اما اگر همین متهم بداند که پس از دستگیری و رد مال شاکی و جلب رضایت وی باید در شرایط سختی به عنوان مثال در معدن کار کند شاید هم بازدارندگی بیشتری داشته باشد هم بداند که برای کسب درآمد باید کار کند. در نتیجه بعد از چند سال افرادی که به خاطر مشکلات اقتصادی و امرار معاش دست به سرقت زده‌اند از چرخه انبوه سارقان خارج شده و به جامعه باز می‌گردند. البته شاید تعداد معدودی باز هم با چنین روش‌هایی تمایل به بازگشت به همان چرخه را داشته باشند که در آن صورت قانون باید با مجازات به‌مراتب سنگین‌تری با آنها برخورد کند.

به‌طور قطع اگر این مقوله با برنامه‌ریزی همراه نشود بی‌شک نه تعداد سارقان کاهش پیدا می‌کند، نه عدد سوابق آنها کم می‌شود. به هرحال وقتی در تحقق یک امر در طی سال‌های متمادی به توفیق لازم دست پیدا نمی‌کنیم یک پیام واضح دارد و آن هم اینکه مسیر را به‌درستی طی نکرده‌ایم. اگر این مسیر از همین امروز درست ترسیم شود به‌طور حتم سارقان به مسیر سومی که شاید سال‌ها نادیده گرفته شده هدایت شوند.

اخبار

رئیس پلیس پایتخت خبر داد

گشت‌های پلیس در کوچه پس کوچه های شهر

گروه حوادث: رئیس پلیس پایتخت از اجرای مقتدرانه و قاطع طرح ضربتی مقابله با سارقان و راه‌اندازی گشت‌های ضربتی خودرویی و موتوری خبر داد.

سردار حسین رحیمی در قرارگاه مقابله با سرقت با تأکید بر اینکه مأموریت اصلی پلیس پایتخت مقابله جدی با سارقان و پدیده سرقت است، افزود: پی‌جویی جرم سرقت از لحظه وقوع در دستور کار قرار دارد و به محض وقوع هرگونه سرقت پیگیری موضوع و دستگیری سارقان بسرعت در دستور کار گشت‌های ضربت قرار خواهد داشت.

رئیس پلیس پایتخت با تأکید بر اینکه طرح ضربتی مقابله با سارقان با اقتدار و قاطعیت انجام خواهد شد، گفت: به شهروندان این اطمینان را می‌دهیم که با همه توان برای مقابله با سارقان و زورگیران به میدان آمده و مقتدرانه با این افراد که با عملکرد خود امنیت و آرامش و احساس امنیت شهروندان را به مخاطره می‌اندازند برخورد کنیم.

وی با اشاره به اینکه عمده کلانتری‌ها و پلیس‌های تخصصی در بحث برخورد با سارقان و مقابله با پدیده سرقت به کارگیری شده است، تصریح کرد: محورهای اصلی و فرعی شهر، حتی کوچه پس کوچه‌های شهر به‌دنبال سارقان خواهیم بود.

سردار رحیمی با اشاره به اینکه بسیاری از سارقان خرده پا و حتی برخی از زورگیران به‌دلیل مصرف مواد خود اقدام به سرقت و زورگیری می‌کنند، گفت: سارقان معتاد به محض دستگیری برای مدت حداقل شش ماه تحویل مراکز بازپروری خواهند شد و پس از آن به اتهامات آنها رسیدگی خواهد شد.



شهید احمد وحیدی پویا

دستگیری عاملان شهادت نگهبان بانک سپه

گروه حوادث/ عاملان شهادت نگهبان بانک سپه شهرستان چابهار با ردیابی‌های پلیسی پس از یک هفته دستگیر شدند.

ابراهیم کوچک زایی، فرمانده انتظامی شهرستان چابهار در تشریح این خبر گفت: حدود ساعت ۷ صبح پنجشنبه سوم شهریور، همکار بازنشسته فراجا «احمد وحیدی پویا» نگهبان بانک سپه شعبه چهارراه یخسازی شهرستان چابهار هنگام ورود به بانک محل کارش با تیراندازی اشرار مسلح به شهادت رسید. این دو نفر راکبین یک دستگاه موتورسیکلت بودند که به سمت محافظ بانک با سلاح کلت کمری تیراندازی کرده و پس از سرقت اسلحه نگهبان، از محل متواری شدند. پس از این حادثه مراتب شناسایی و دستگیری متهمان متواری و عوامل اصلی دخیل در شهادت محافظ بانک به‌صورت ویژه در دستور کار پلیس قرار گرفت. فرمانده انتظامی چابهار تصریح کرد: تیم رسیدگی کننده به این پرونده در جریان تحقیقات تخصصی خود به سرنخ‌هایی از زندگی مخفیانه متهمان مذکور در شهرستان چابهار دست یافتند و در نهایت با تلاش مأموران پلیس و پس از انجام اقدامات تخصصی پلیسی، مخفیگاه متهمان در یکی از روستاهای این شهرستان شناسایی و در دو عملیات ضربتی و غافلگیرانه هر دو نفر دستگیر شدند. در بازرسی از مخفیگاه متهمان، یک قبضه سلاح کلت کمری به همراه دوتیغه خشاب و ۲۵ تیر جنگی و یک قبضه سلاح کلاشنیکف با یک تیغه خشاب و ۱۸ فشنگ جنگی کشف شد. متهمان دستگیر شده پس از اعتراف به جرم خود به مراجع قضایی معرفی شدند تا به مجازات برسند.

کله پاچه قاتل زن میانسال

گروه حوادث/ گیر کردن استخوان کله‌پاچه در گلوی زن میانسال جان او را گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، شامگاه چهارشنبه ۹ شهریور، پرسنل یکی از بیمارستان‌های تهران در تماس با بازپرس محمدجواد شفیعی از مرگ مشکوک زنی ۵۰ ساله خبر داد.

با اعلام این خبر، به دستور بازپرس شعبه پنجم دادسرای امور جنایی تهران تحقیقات آغاز و در بررسی‌های اولیه مشخص شد که زن میانسال در حال خوردن کله‌پاچه بوده که یک تکه استخوان در گلویش گیر کرده و باعث خفگی وی شده است. در پی این حادثه، زن میانسال به بیمارستان منتقل شد اما تلاش کادر درمان برای نجات او بی‌نتیجه ماند. به دستور بازپرس جنایی جسد به پزشکی قانونی منتقل شده است و تحقیقات در این خصوص ادامه دارد.

شهادت مأمور پلیس با شلیک مرد بیمار

گروه حوادث/ مرد بیمار هنگام فرار از بیمارستانی در شهر دامغان با خلع سلاح کردن مأمور پلیس وی را به شهادت رساند.

به گزارش ایرنا، این حادثه ساعت ۱۲ ظهر جمعه مقابل در ورودی اورژانس بیمارستان ولایت دامغان رخ داد و در پی آن، جواد رحیمی از کارکنان نیروی انتظامی جان خود را از دست داد و به فیض شهادت نائل آمد. به گفته شاهدان حادثه این بیمار روز جمعه به بخش اورژانس بیمارستان منتقل شده بود و پرسنل درمانی پس از معاینه وی به‌دلیل شرایط بیمار، خواستار حضور مأموران نیروی انتظامی برای کنترل این بیمار شدند.

وقتی مأموران نیروی انتظامی در محل حضور یافتند مرد بیمار قصد فرار داشت که با ممانعت یکی از مأموران حاضر در بیمارستان مواجه شد و وی را خلع سلاح کرد و با شلیک مستقیم، مأمور را به قتل رساند. بعد از این حادثه و حضور عوامل انتظامی، قاتل دستگیر شد.

محمود یحیایی مدیر روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی استان سمنان نیز به فارس گفت: بیماری با مشکل اعصاب و روان توسط اورژانس ۱۱۵ و با همراهی نیروی انتظامی و اورژانس اجتماعی به بخش اورژانس بیمارستان ولایت دامغان منتقل و اقدامات اولیه مورد نیاز برای بیمار انجام شد؛ اما بیمار همکاری لازم را نداشته و قصد فرار از بیمارستان را داشت که هنگام فرار و پس از مهار شدن توسط پلیس، با وی درگیری فیزیکی پیدا کرده و با دستیابی به اسلحه پلیس به سمت وی شلیک کرد و این مأمور را مورد هدف قرار داده و به شهادت رساند.

سقوط مرگبار از کوه عظیمیه



گروه حوادث/ مرد جوان براثر سقوط از کوه در منطقه عظیمیه کرج جان باخت.

محمد باقر خلفی مدیر عامل جمعیت هلال احمر البرز گفت: با اعلام گزارشی مبنی بر سقوط فردی در کوه عظیمیه کرج امدادگران کوهستان به محل حادثه اعزام شدند. پس از چند ساعت تلاش و جست و جو جسد این فرد کشف و به نیروی انتظامی تحویل شد.

وی گفت: افرادی که قصد کوهنوردی در مناطق کوهستانی را دارند ضمن همراه داشتن تجهیزات ایمنی از افرادی که آشنا به منطقه هستند، کمک بگیرند. هموطنان می‌توانند در صورت نیاز امدادی با سامانه ۱۱۲ هلال احمر البرز تماس حاصل کنند.

مرگ زائر کربلا در واژگونی خودرو

گروه حوادث: واژگونی خودروی پژو ۴۰۵ حامل زائران اربعین حسینی در ورودی اندیمشک یک کشته و ۲ مصدوم بر جا گذاشت.

به گزارش روابط عمومی اورژانس پیش بیمارستانی و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، مأموران امدادی اورژانس ۱۱۵ به محض اطلاع از وقوع حادثه که عصر پنجشنبه رخ داد، به منظور اقدامات درمانی اولیه و انتقال مصدومان در محل حاضر شدند.

عارف شرهانی مدیر روابط عمومی اورژانس اهواز گفت: یک خودروی پژو ۴۰۵ حامل زائران اربعین حسینی در ورودی اندیمشک واژگون شده بود که مصدومان ۲ زن ۵۰ و ۶۰ ساله بودند که به بیمارستان امام علی(ع) اندیمشک انتقال یافتند. فوتی این حادثه یک مرد ۵۰ ساله است.